



دوشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۱ • ۱۷ صفر ۱۴۳۴ • ۳۱ دسامبر ۲۰۱۲ • سال دهم • شماره ۱۶۳۷ • ۱۶ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

ایران من سلام



عکس: عباس کوفوری، شرق

سرمقاله

تجربه ناتمام

مهدي رحمانیان
مدیر مسوول روزنامه «شرق»



شاید این سوال دغدغه ذهنی خیلی‌ها باشد که چرا کشور ما با سابقه تاریخی چند هزار ساله و جغرافیای منحصربه‌فرد با ذخایر و منابع غنی انسانی و طبیعی، محصولات و کالاهایش صاحب «برند» معتبر و شناخته‌شده‌ای در سطح جهانی نیست. صرف‌نظر از محصولاتی مثل زعفران، پسته و فرش دستیاف که از گذشته‌های دور با نام ایران گره خورده در زمینه‌های دیگر دست‌مان خالی است. بگذریم از اینکه انحصار این گونه محصولات را هم داریم از دست می‌دهیم و به رقبای جدید در جهان واگذار می‌کنیم. ندانستن «برند» معتبر و نامی در حوزه‌های دیگر به‌خصوص حوزه‌های مدرن که سابقه طولانی در آنها نداریم به شدت محسوس است. یکی از این حوزه‌ها، رسانه‌ها است؛ به‌خصوص رسانه مکتوب. با اینکه روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاری داریم که اگر در بستر مناسبی رشد کنند، شایستگی دارند که هم‌دوش رسانه‌های مکتوب دنیا قرار بگیرند اما متأسفانه در حال حاضر هیچ رسانه مرجعی در جهان نداریم، اگرچه این مساله مانند تمام مسائل فقط یک علت ندارد و دارای علل فراوان و ابعاد گسترده‌ای است اما شاید یکی از مهم‌ترین علت‌های آن را می‌توان عدم انباشت تجربه و به دیگر سخن انقطاع تجربه دانست. این نکته را از روی تجربه می‌گویم، تجربه‌ای که در دوره‌های انتشار «شرق» تخصصاً درگیر آن بوده و با تمام وجود لمس کرده‌ام. از سال ۱۳۷۷ که هفته‌نامه «شورای شرق» را بنیان‌گذاری و بعد طی درخواستی در سال ۱۳۸۲ تبدیل به روزنامه شد، تاکنون «شرق» چهار بار توقیف شده و وقفه‌های طولانی در انتشار آن به وجود آمده است. در هر بار توقیف، خسارات مادی و معنوی بسیاری به روزنامه و روزنامه‌نگاران وارد شد و عده‌ای که با عشق و علاقه و با صداقت مشغول کار و تجربه‌اندوژی بوده‌اند به یکباره شغل خود را از دست داده و تا مدتی برای رفتن به روزنامه‌ای دیگر بیکار بوده‌اند. این یعنی انقطاع ایده‌ها و تجربه‌هایی که به کارگیری آنها در روزنامه‌ای دیگر مستلزم همسویی با فضای آن روزنامه است. برخی نیز از این حرفه را رها کرده و به کارهای دیگر روی آورده و برخی کوچ کرده‌اند. مهم‌ترین آسیب از این رهگذر همان انقطاع تجربه است که اگر اتفاق نمی‌افتاد، انباشت این تجربه‌ها موجب تعالی این حرفه می‌شد. اما افسوس هر بار بعد از هر وقفه دوباره باید از صفر شروع کرد. این دوباره‌ها و دوباره‌ها باعث شکوفایی نمی‌شود، تولید کلیشه و خودسانسوری آزاددهندگی می‌کند که آفت شکوفایی و خلاقیت است. در کنار اینها سرمایه‌هنگفت مادی صاحبان روزنامه را که بدون بازگشت و سود، از دست می‌رود نباید فراموش کرد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

روشنگری؛ رسالت رسانه

گفتمان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند باید دستش باز باشد در این میان، رسانه‌ها و به ویژه روزنامه‌ها نیز وظایف متقابلی بر عهده دارند:

۱) روزنامه‌ای که می‌خواهد آگاهی‌بخشی و روشننگری کند باید نسبت به حساسیت جامعه مخاطب خود یعنی جامعه ایرانی، جدی باشد و اگر درخصوص برخی از آنها نقد دارد باید با تکیه از لایه‌ای از ارزش‌ها و گرایش‌های خوب و نیکو، به اصلاح لایه‌ای دیگر بسورد. به بیان دیگر به اندازه‌ای ارزش‌های زیبا در نظام فرهنگی ما وجود دارد که ما به همه چیز می‌پردازد مگر روشننگری و متأسفانه این چارچوب واقعا باید با دست باز عمل کند تا به آگاهی‌بخشی به عنوان مهم‌ترین رسالت خود با فراغ

۲) وظیفه رسانه، آگاهی‌بخشی است و این یعنی کار روشننگری. اینکه می‌گویند پرداختن به این امور، وظیفه نهادهای آکادمیک است، در شرایط فعلی به نوعی شوخی شبیه است. حوزه آکادمیک ماب به همه چیز می‌پردازد مگر روشننگری و متأسفانه به عرصه منجمد و یخ زده‌ای می‌ماند که نسبتی با فضای عمومی ما ندارد. لایه دوم روشننگری ما همین رسانه‌ها هستند که در تعامل با لایه اول یعنی تولیدکنندگان اندیشه عمل می‌کنند. نکته جالب توجه این است که روشننگران لایه اول نیز عمدتاً در دانشگاه نیستند و در فضای عمومی فعالیت می‌کنند و رسانه‌ها باید اشاعه‌دهنده این تولیدات باشند.

۳) کار روشننگری، آگاهی‌بخشی است پس باید بر ملاکننده فسادهای آشکار و غیر آشکار باشد و امروز رسانه‌ها در مقایسه با سایر نهادهایی که مورد انتظار بودند تا در این زمینه ادای وظیفه کنند، به خوبی از پس آن برآمده‌اند. مخالفت برخی با فعالیت رسانه‌ها نیز درست به دلیل عدم وسعت نظر، نفهمیدن مواضع

۴) توقع همیشه از رسانه این است که به حساسیت‌های مردم و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی پایبند باشند و آزادی را در ذیل آن دنبال کنند. نمی‌خواهم رسانه‌ای را متهم کنم اما عملاً است برخی از آنها، ادای روشننگری دریاوردند اما در پس آن، منافع اقتصادی خود را دنبال کنند. به نظر من گناه کسی که به دلیل منافع شخصی خود جلوی رسانه‌ای را می‌گیرد نسبت به رسانه‌ای که ادای روشننگری در می‌آورد، کمتر است. اصحاب رسانه در جایی نشستند که مطالبات واقعی و زبان سرخ مردم باید در آن بنشینند. این وظیفه سنگینی است. روشننگری کار انبیا است. پس شناخت ما از عهده اصحاب حقیقی رسانه سبب می‌شود تا خود را نشان می‌دهد. در غیر این‌صورت چه کسی است که متوجه این معنا نشود که یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی، آزادی بوده است و اساساً یکی از دلایل گرایش مردم برای حرکت به سمت انقلاب، فقدان آزادی بود و انقلاب اسلامی نیز بر این آزادی خواهی صحه گذاشت. اینچنین است که نگارنده به جد اعتقاد دارد، رسانه‌ای که در چارچوب

✦ **عماد افروغ**
✦ **مدرس جامعه‌شناسی**
✦ **و نماینده پیشین مجلس**



پیش از آغاز این گفتار، اصل را بر این می‌گیرم که ما جامعیت گفتمان انقلاب اسلامی و خط قرمزی بنام قانون اساسی در ذیل این گفتمان را پذیرفته‌ایم. پس با عطف به این گفتمان و قانون اساسی برآمده از آن، تمنای سعه صدر و وسعت از مسوولان در مواجهه با رسانه، امری طبیعی است. یک رسانه در این چارچوب واقعا باید با دست باز عمل کند تا به آگاهی‌بخشی به عنوان مهم‌ترین رسالت خود با فراغ

بال بپردازد. بر واضح است که این آگاهی‌بخشی می‌تواند ابعاد مختلف داشته باشد. می‌تواند مقابله با یک پندار غلط، خرافه‌رایی، افشای زوایای پیدا و پنهان شبکه‌های القایی و اغوایی قدرت باشد یا بر ملاکننده انواع و اقسام فسادهایی باشد که می‌تواند بعضاً در قالب ارزش‌های انقلابی نیز صورت بگیرد.

این آسیب در کشور ما که متأسفانه نهادهای متشکل موجهی در آن شکل نگرفته و برخی نهادهای ریشه‌دار و کهن نیز آن‌طور که باید و شاید ادای وظیفه نمی‌کنند، جدی‌تر است. در واقع باید از هر گونه آگاهی‌بخشی و تنویر افکار عمومی که به ارتقای پیش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و افشاشدن زشتی‌ها و پلشتی‌هایی – که با انحای مختلف صورت می‌گیرد – منجر می‌شود استقبال شود. فراموش نکنیم شبکه فساد ۳۰۰۰ میلیاردی را چه کسانی افشا کردند.

هم از این روست که طبیعی است برخی دوست نداشته باشند رسانه به وظایف خود عمل کند و آزادی رسانه‌ای مطرح در قانون اساسی و گفتمان انقلاب اسلامی، عینیت یابد. برخی از آنها‌یی که مخالف فعالیت رسانه‌هایی که خود را متعهد به عمل در این چارچوب‌ها و حساسیت‌ها و باورهای جامعه می‌دانند، هستند ممکن است مدعی شوند که بر اساس ارزش‌ها، به این نقطه رسیده‌اند. اما خوب که پرده‌ها را کنار می‌زنیم، در بهترین حالت این مصالح و منافع شخصی، جناحی و گروهی آنهاست که خود را نشان می‌دهد. در غیر این‌صورت چه کسی است که متوجه این معنا نشود که یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی، آزادی بوده است و اساساً یکی از دلایل گرایش مردم برای حرکت به سمت انقلاب، فقدان آزادی بود و انقلاب اسلامی نیز بر این آزادی خواهی صحه گذاشت. اینچنین است که نگارنده به جد اعتقاد دارد، رسانه‌ای که در چارچوب

یادداشت

«شرق» امروز، «شرق» دیروز

است. همه را به تحرک وا می‌دارد و خوشه آن را مردم می‌چینند. تصور می‌کنم روزهای خوب و طلایی مطبوعات باید در پیش باشد اگر وضع به همین منوال پیش برود، باران‌ها قطع شوند، بعضی از روزنامه‌های وابسته را از شیر بگیرند، پارانه، کمک، بودجه پیدا و پنهان و رانت اگر در کار نباشد. آنگاه روزنامه‌ها برای بقا تلاش می‌کنند و آنکه بهتر است – با معیار مردمی بودن – می‌ماند و بقیه می‌روند. امروز شنیدم، مدیران چند روزنامه صفحه کم کرده‌اند و چند روزنامه گلایه کرده‌اند که اگر قیمت کاغذ به همین منوال – یعنی گران – بماند، اداره بعضی روزنامه‌ها مشکل می‌شود. می‌شناسم

من نیز «شرق» را می‌خواهم چون اصالت دارد، شخصیت دارد، روشنفکر است، پیشرو است، شجاع است و صاحب اندیشه است. به حرفه روزنامه‌نگاری وفادار است. اینها را که می‌گویم از سر تعارف نیست. من خود از اهالی این حرفه‌ام و روزنامه خوب را می‌شناسم. از «شرق» اول تا امروز که «شرق» چهارم منتشر می‌شود. گرافیک این روزنامه، تغییر نیکرده. این راه و رسم زندگی یک روزنامه سنگین و تاثیرگذار است. مثل آدم‌های روشنفکر و پر که ظاهر دیروز و امروزشان یکی است و نمی‌خواهند مثل بت عیار به هر رنگی درآیند. تنها چیزی که در آنان تغییر می‌کند، خط زمان است یعنی سن و سال، بزرگ شدن، جوانی، میانسالی و پیری ولی هرگاه از دور آنان را ببینی، می‌شناسی. «شرق» امروز همان «شرق» دیروز است. تبریک می‌گویم دوباره و شاید سه باره.

شاید باید به «محمد قوچانی» و همکاران «شرق» اول تبریک گفت که بنایی ایجاد کردند که از باد و بارانش نباید گزند، ولی باید به «داوود محمدی» و همکارانش نیز تبریک گفت. چرا که چراغ «شرق» را همان گونه که بود روشن نگه داشتند و امروز نیز روشن نگه می‌دارند. راستی اضافه کنم حفظ شخصیت یک روزنامه نه تنها کار کمی نیست، بلکه بسیار زیاد است. اما «شرق» چهارم که امروز آمده است، یک مزیت استثنایی دارد و آن ایجاد شور و تحرک در مطبوعات است، حتماً «شرق» آمده است که رقابت کند و رقابت در هر بازاری به ویژه بازار فرهنگ و مطبوعات مبارک

من امروز «شرق» می‌خرم و یک شاخه گل تقدیم فروشنده‌ای می‌کنم که «شرق» را به دست من بدهد.

✦ **بهروز بهزادی**
✦ **جانشین مدیرمسوول**
✦ **روزنامه «اعتماد»**



از «شرق» اول تا امروز که «شرق» چهارم منتشر می‌شود. گرافیک این روزنامه، تغییر نیکرده. این راه و رسم زندگی یک روزنامه سنگین و تاثیرگذار است. مثل آدم‌های روشنفکر و پر که ظاهر دیروز و امروزشان یکی است و نمی‌خواهند مثل بت عیار به هر رنگی درآیند. تنها چیزی که در آنان تغییر می‌کند، خط زمان است یعنی سن و سال، بزرگ شدن، جوانی، میانسالی و پیری ولی هرگاه از دور آنان را ببینی، می‌شناسی. «شرق» امروز همان «شرق» دیروز است. تبریک می‌گویم دوباره و شاید سه باره. شاید باید به «محمد قوچانی» و همکاران «شرق» اول تبریک گفت که بنایی ایجاد کردند که از باد و بارانش نباید گزند، ولی باید به «داوود محمدی» و همکارانش نیز تبریک گفت. چرا که چراغ «شرق» را همان گونه که بود روشن نگه داشتند و امروز نیز روشن نگه می‌دارند. راستی اضافه کنم حفظ شخصیت یک روزنامه نه تنها کار کمی نیست، بلکه بسیار زیاد است. اما «شرق» چهارم که امروز آمده است، یک مزیت استثنایی دارد و آن ایجاد شور و تحرک در مطبوعات است، حتماً «شرق» آمده است که رقابت کند و رقابت در هر بازاری به ویژه بازار فرهنگ و مطبوعات مبارک

نگاه

چند سوال بی‌جواب

محمد جواد حق‌شناس
مدیرمسوول روزنامه «اعتماد ملی»



خبر ناگهانی توقیف روزنامه «شرق» بیش از آنکه دردناک باشد، پت اور بود. زمانی که کشور بیش از هر موقعیت دیگری به حضور رسانه‌های مستقل نیازمند بود و انتظار می‌رفت که فضای رسانه‌ها در هیات نظارت بر مطبوعات به دفاع از این روزنامه خوب برخیزد، اما متأسفانه این انتظار برآورده نشد. خبر این گونه توقیف‌ها بیش از پیش سبب‌ساز نگرانی اصحاب رسانه، فرهنگ و فعالان حوزه سیاست و جامعه می‌شود. ما مردم ایران، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، با تمام توان به صحنه آندیم تا برای گسترش فرهنگ در جامعه تلاش کنیم. تلاشی که در نهایت میوه آن، روزنامه‌هایی تاثیرگذار، مانند روزنامه «شرق» هستند. در مقابل این، انتظار زیادی نیست که پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب بخوابیم، مسوولان امر با این حوزه با سعه صدر و در نظر گرفتن هزینه و فایده کنش‌های سلبی، رفتار کنند. این سوال همچنان درخصوص توقیف روزنامه تاثیرگذار «شرق» در اندام مردم و اهالی رسانه باقی مانده است. اینکه پس از گذشت سه ماه پس از این تصمیم ناپهنگام، مشاهده می‌شود که هیات متصفه مطبوعات و قاضی رسیدگی کننده، به اتفاق، رأی به برائت روزنامه و مدیر مسوول می‌دهند و در این میان آنچه که نامشخص باقی مانده است خسارت مادی و معنوی جبران‌ناپذیری است که به روزنامه «شرق» ۲۰۰ نفر از کارکنان این روزنامه و چندین هزار نفر از خوانندگان این نشریه و جایگاه نظام رسانه است. اینکه چه کسی پاسخگوی این همه زیان و خسارت ناشی از تلقی نادرست از یک رویداد است، البته مشخص نیست. نه‌اینها از بازگشت مجدد این روزنامه به صحنه جامعه و فرهنگ استقبال می‌کنیم و از تصمیم قاضی محترم و هیات متصفه‌ای که به شایستگی «شرق» را شایسته تیرنه دانست تشکر می‌کنیم. امیدواریم «شرق» در دور جدید هم مانند ادوار گذشته خوب و پرمایه دیده شود و حورشر از آفت توقیف مصون باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۹۸۶۸۲۱-۸۸۹۸۶۸۲۲
۸۸۹۸۶۸۲۰

سایت روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir



معاونت تبلیغات
طراحی پوستر
جهت کسب اطلاعات بیشتر
به سایت سازمان زیبا سازی شهر تهران www.zibasaki.ir مراجعه فرمایید
روابط عمومی سازمان زیبا سازی شهر تهران